

بخش چهارم:

- نامه حاج ملا محمد صادق قمی به ناصرالدین شاه قاجار
- نامه یک روحانی عالی قدر و پرهیزکار به پادشاه مقتدر قاجار ۱
- نامه یک روحانی عالی قدر و پرهیزکار به پادشاه مقتدر قاجار ۲
- حرف آخر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

توضیحات سر دبیر:

به روزگاری که هنوز بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران جوان بود و آرزو برایش عیب نبود! آرمان‌ها و آرزوهایی داشت؛ از آن جمله: فراهم شدن جغرافیای انقلاب اسلامی ایران.

منظور آن که: برای هر مکانی که در فراز و فرود جریان انقلاب نقشی خاطره‌انگیز داشته است، پرونده‌ای فراهم شود؛ چنان که روزی بتوان فرهنگی را با چنین محوری به تاریخ پژوهان تقدیم کرد.

البته آن روزها دائرةالمعارف نویسی چنان گسترش نیافته بود که از وزیر فرهنگ و ارشادمان این پیشنهاد را بشنویم که: باید برای طنزهای زنده‌یاد گل آقا نیز دائرةالمعارفی فراهم شود.

صد البته که با چنین نگاهی به آن پیشنهاد، انگیزه‌ی اهانت به هیچ شخص و شخصیتی ندارم. شاید روزی فرصت گفت و گویی فراهم شود و این قلم دار به خطای خود چنان پی ببرد که هم از جناب مسجد جامعی پوزش بخواهد، هم از روح بلند گل آقا و هم از همه‌ی کسانی که می‌پندارم دائرةالمعارف نویسی را به ابتدال کشیده‌اند!

به هر روی غرض از این درآمد گونه آن که: اگر روزی به نگارش فرهنگ یا قاموسی با محوریت مکان‌هایی اهتمام کنم که در جریان انقلاب خاطره‌انگیز بوده‌اند، باید ستونی یا ستون‌هایی را به مدرسه حاج ملاصادق - در قم - اختصاص دهیم.

تا کنون در چندین خاطره از این مکان یاد شده است؛ از آن جمله:

۱- تشکیل محفل بزرگانی که از سوی مرحوم آیت‌اله بروجردی، در ارتباط با اصلاحاتی در حوزه قم، مأموریت داشته‌اند. در این زمینه از شادروان آیت‌اله محمد باقر طباطبایی - مشهور به سلطانی - خاطره‌ای را در این زمینه در یکی از شماره‌های نشریه یاد آورده‌ایم که خاطره‌ای ست ارزشمند و منحصر به فرد.

۲- نخستین بار که دفتر شهریه‌ای به نام امام راحل گشوده شد و دارای مفهومی فراتر از حضور امام در عرصه‌ی مرجعیت بود، نام این مدرسه با شور و شوق وصف ناپذیری زیان زد گردید. بگذریم که امروز در داستان مرجعیت و شهریه

و مقوله‌هایی از این دست نیز شاهد تحولاتی هستیم که بی‌شباهت به قصه‌ی دائرةالمعارف نیست!

۳- در خاطره‌های آیت‌اله هاشمی رفسنجانی نیز از این مدرسه - در ارتباط با تکاپوی نسل نوین و اصلاح طلب حوزه قم - یاد شده است که در خور تأمل است. این همه، گویای ارزش تاریخی مدرسه‌ای ست که نام آن با نام آیت‌اله حاج ملا محمد صادق قمی از شاگردان صاحب جواهر، یکی شده است. با این توضیح، نوشته‌ای را که اینک از نگاه می‌گذرانیم، ارزش مضاعفی ست فراتر از ارزش آن در رجال‌شناسی.

به بیانی دیگر:

نامه‌ای را که اینک از نگاه می‌گذرانیم، از دو زاویه می‌توان دید:

۱- آشنایی با فرهنگ حاکم بر روابط روحانیت و قدرت حاکم در بخشی از روزگار قاجار.

بر این باورم که چون از این زاویه بنگریم، نامه‌ی زنده یاد آیت‌اله حاج ملا صادق قمی به ناصرالدین شاه، سرشار از نکته‌هایی ست که تاریخ پژوهان آزاد اندیش را به آن همه، نیازمند می‌پندارم.

خرد پذیرتر آن که: آگاهی از این نکته‌ها را به مخاطب واگذارم. بویژه مخاطب‌های آشنای یاد که از این پس بخشی از این نشریه را به جلب مشارکت آنان اختصاص می‌دهم.

۲- ارزش مضاعف این نامه، نقشی ست که در معرفی یکی از مکان‌های خاطره‌انگیز دارد.

به هر روی اگر بر آن شویم که مدرسه حاج ملا محمد صادق را - در قم - بهتر بشناسیم، ناگزیر باید با شخصیتی آشنا شویم که نام این مدرسه با نام او یکی شده است.

اینک این شما و این نامه‌ی آن عالم وارسته و خیراندیش به ناصرالدین شاه قاجار! پس از آن نامه‌ای را نیز از مؤلف کتاب قوانین الاصول - مشهور به میرزای قمی - از نگاه می‌گذرانیم که پیرامون ارتباط دو نامه، پیش از این نکته‌ای را یادآور شده‌ام.

شامل : سرگشته‌ها، خاطرات و گزارش‌های تحقیقی : تاریخی، سیاسی، اجتماعی، ادبی، و داستانها و خلاصه کتب و رسائل

از : مجله وحید

نامه حاج ملا محمد صادق قمی به ناصرالدینشاه قاجار

و در سجلات خود به مناسبت می‌نگاشته. و نماز استغاثی ایشان هم خود در قم مشهور و برالسنه و افواه مذکور است که هنوز اهالی از مصلی به منازل خود نرسیده غریق رحمت‌الهی گردیدند» (۴)

میرزا آقا خان صدر اعظم نوری در دوره سدارت خود به سال ۱۲۷۲ مدرسه و مسجدی برای این عالم جلیل در نزدیکی خانه او در محله گذر قاضی قم بنا نهاده است که وصف بنا و متن کتابه های آن در سلسله مقالاتمدارس قدیم قم (۵) دیده می شود و وی تا پایان عمر در همان جا تدریس و اقامه جماعت مینموده است (۶).

او چنان که گذشت سخت مورد توجه دربار قاجار بوده و ناصرالدین شاه در سفر های خود به قم به دیدار وی می‌رفته است. حاجی کتابخانه‌ای مهم نیز داشته که پس از مرگ او متروک شده و از خاندان وی بیرون رفته و در این میان نوشته های او نیز ناشناخته مانده است. برخی از کتابهای کتابخانه او را در قم دیده‌ام که وی به خط خود

و علوم دیگر اشتغال داشت. پس از آن روی به نیف اشرف کرد و در حوزه درس حیدرالاسلام شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام فقه و اصول را تکمیل فرموده، مجازا مراجعت نمود. قبیل حکومت شرعیه این بلد منوط به قلم ایشان بود تا در سنه ۱۲۹۸ به دارچنان خرامیده (۳).

صاحب مختار البلاد می افزاید که :

« غالب تلمذش در اسفهان نزد مرحوم حاج شیخ محمد تقی اسفغانی صاحب حاشیه معالم بود و قریب هفت سال در نیف به تکمیل مبانی فقهی اشتغال داشت. سپس به قم آمده، حدود چهل سال حکومت شرعی این شهر با او بود تا در ماهشوال سال ۱۲۹۸ درگذشت و در مقبره شیخان قم مدفون گردید.

جنابش در تبحر علوم خاصه ادبیات در عصر خود ممتاز بود و همچنین در کثرت حفظ، چنان که اغلب مقامات حریری را محفوظ بوده

حاج ملا محمد صادق قمی از علما و فقهاء بزرگ قرن سیزدهم قم و از مجتهدین متنفذ و مقتدر آن دوره بوده و مورد توجه خاص دربار قاجار قرار داشته است. اعتمادالسلطنه در المآثر و الانار در باره او می نویسد : « حاج ملا صادق قمی مجتهدی فحل بود و از مشایخ بزرگ شیعه به شمار می آمد. در اخبار و آثار تنبیه کامل و استقرائی شامل داشت. از مفردات او (۱) آن که چیدن موی ریش را از بیخ - به حدی که شبیه تراشیدن هم باشد - منع نمی فرمود. عطراله ترتبه (۲)

میرزا علی اکبر فیض در تاریخ قم خود که به سال ۱۳۰۳ نگارش یافته است در باره او می نویسد :

« جامع علوم و یارع همه فنون است. چنان که در هر يك از فنون کمال و رسوم افضل او را قده معنی بود. در اوائل جوانی رخت بسه اسفهان کشید. قریب ۱۰ سال به تکمیل علوم مقدمات و ریاضی و کلام

۱ - از مفردات او نیست شماره ۱۲ دوره نهم مجله وحید، ص ۱۷۷۱ دیده شود.

۲ - المآثر و الانار. ص ۱۵۳.

۳ - تاریخ قم فیض، ص ۳۲ نسخه اصل و منصر.

۴ - مختارالبلاد، ص ۲۷۰ چاپ دوم.

۵ - قسمت هفتم شماره ۱۲ دوره نهم مجله وحید. مقدمه دیوان شرفسفات «نب» و «نج» نیز دیده شود.

۶ - مرآت البلدان، ۴، ۱۱۵.